

◀ منابع

اسباب النزول: الواحدي (م. ۴۶۸ق.)، به كوشش كمال بسيوني، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۱ق؛ الاستبصار في نسب الصحابه: عبدالله ابن قدامه (م. ۶۲۰ق.)، به كوشش نويهض، بيروت، دار الفكر؛ الاستيعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به كوشش البجاوي، بيروت، دار الجيل، ۱۴۱۲ق؛ اسد الغابه: ابن اثير (م. ۶۳۰ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۹ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلاني (م. ۸۵۲ق.)، به كوشش علي معوض و عادل عبدالوجود، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۵ق؛ انساب الاشراف: البلاذري (م. ۲۷۹ق.)، به كوشش زكار و زركلي، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۷ق؛ البحر المحيط: ابوحيان الاندلسي (م. ۷۵۴ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۲ق؛ تاريخ يعقوبى: احمد بن يعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ تفسير ابن ابي حاتم (تفسير القرآن العظيم): ابن ابي حاتم (م. ۳۲۷ق.)، به كوشش اسعد محمد، بيروت، المكتبة العصريه، ۱۴۱۹ق؛ تفسير قرطبي (الجامع لاحكام القرآن): القرطبي (م. ۶۷۱ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۵ق؛ الثقات: ابن حبان (م. ۳۵۴ق.)، الكتب الثقافيه، ۱۳۹۳ق؛ جامع البيان: الطبرى (م. ۳۱۰ق.)، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ق؛ جمهرة انساب العرب: ابن حزم (م. ۴۵۶ق.)، به كوشش گروهى از علما، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۸ق؛ الدر المنثور: السيوطى (م. ۹۱۱ق.)، بيروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ روض الجنان: ابوالفتوح رازى (م. ۵۵۴ق.)، به كوشش ياحقى و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوى، ۱۳۷۵ش؛ السيرة النبويه: ابن هشام (م. ۲۱۳ق./ ۲۱۸ق.)، به كوشش السقاء و ديگران، بيروت، دار المعرفه؛ صحيح البخارى: البخارى (م. ۲۵۶ق.)، به كوشش مصطفى ديب البغا، بيروت، دار ابن كثير، اليمامه، ۱۴۰۷ق؛

الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۸ق؛ غرر التبيان: بدرالدين الحموى (م. ۷۳۳ق.)، به كوشش عبدالجواد، دمشق، دار قتيبه، ۱۴۱۰ق؛ الكامل في التاريخ: على ابن اثير (م. ۶۳۰ق.)، بيروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ الكشاف: الزمخشري (م. ۵۲۸ق.)، مصطفى الباي، ۱۳۸۵ق؛ كشف الاسرار: ميبدي (م. ۵۲۰ق.)، به كوشش حكمت، تهران، امير كبير، ۱۳۶۱ش؛ مجمع البيان: الطبرسي (م. ۵۴۸ق.)، به كوشش گروهى از علما، بيروت، اعلمى، ۱۴۱۵ق؛ المعجم الكبير: الطبرانى (م. ۳۶۰ق.)، به كوشش حمدى عبدالمجيد، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۵ق؛ المغازى: الواقدى (م. ۲۰۷ق.)، به كوشش مارسدن جونس، بيروت، اعلمى، ۱۴۰۹ق؛ النسب: ابن سلام الهروى (م. ۲۲۴ق.)، به كوشش مريم محمد، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۰ق.

على محمدى يدك



جده: شهرى بندرى در غرب مكه، از

راههاى اصلى حج گزاران

جده نام شهرى است بندرى در كناره شرقى دريائى سرخ كه در ۷۳ كيلومترى غرب مكه و ۴۲۰ كيلومترى جنوب مدينه قرار دارد.^۱ جده به فتح جيم كه آن را به ضم آ و كسر جيم^۲ نيز

۱. المعالم الاثريه، ص ۸۸؛ نك: الجغرافيه، ص ۸۶.
 ۲. تهذيب اللغة، ج ۱۰، ص ۲۴۷؛ المحكم، ج ۷، ص ۱۸۴؛ معجم ديوان الادب، ج ۳، ص ۲۴.
 ۳. تاج العروس، ج ۴، ص ۳۷۷؛ «جده»؛ الرحلة الحجازيه، ص ۵.

خوانده‌اند، به معنای ساحل دریا است.^۱ برخی این نام را معرب واژه نَبْطی «کد» دانسته‌اند.^۲

در وجه نام‌گذاری این شهر، سخنان گوناگون گفته‌اند. قرار گرفتن این شهر در کناره دریا^۳ و نیز سکونت جُده بن جرم قضاعی و فرزندانش در این شهر^۴ را از علت‌های این نام‌گذاری شمرده‌اند. برخی نیز آن را جَدّه خوانده و سبب آن را وجود قبری منسوب به حواء در این شهر دانسته‌اند.^۵ اکنون مردم عربستان این شهر را جَدّه می‌خوانند.^۶ (تصویر شماره ۳۹)

جده به عروس دریای سرخ معروف است.^۷ در گذشته، این دریا را دریای جده می‌نامیدند.^۸ در شماری از منابع عربی سده نهم.ق. از این شهر با واژه «شاه بندر جده» یاد

۱. العین، ج ۶ ص ۹؛ الصحاح، ج ۲، ص ۴۵۳؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۱۰۸.

۲. لسان العرب، ج ۳، ص ۱۰۸؛ تهذیب اللغة، ج ۱۰، ص ۲۴۷، «جد».

۳. معجم ما استعجم، ج ۲، ص ۳۷۱؛ تحصیل المرام، ج ۱، ص ۴۸۰.

۴. معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۱۷؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۱۵.

۵. احسن التقاسیم، ص ۷۹؛ بستان السیاحه، ص ۱۹۹؛ المعالم الاثیره، ص ۸۸.

۶. موسوعة العربية العالمیه، ج ۸، ص ۲۲۹-۲۳۰.

۷. الموسوعة العربية العالمیه، ج ۸، ص ۲۲۹-۲۳۰؛ مکه المکرمه، ص ۱۱۶.

۸. الاعلاق النفیسه، ص ۸۷؛ رحلة ابن جبیر، ص ۴۱؛ رحلة ابن بطوطه، ج ۱، ص ۲۲۶.

شده است.^۹

وجود کوه‌های بلند در شرق جده سبب گشت تا این بندر از هوای شرجی، مرطوب و گرم برخوردار باشد.^{۱۰} بدین دلیل، در گذشته ساکنان این شهر ناچار بودند به مناطق ییلاقی کوچ نمایند.^{۱۱} دمای این شهر در تابستان گاه تا ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد.^{۱۲} (تصویر شماره ۴۰)

در بیان فضیلت این بندر، احادیثی ضعیف و منسوب به پیامبر ﷺ گزارش گشته است.^{۱۳} در حدیثی برای بهشت در دنیا چهار دروازه معرفی شده که جده بر آن‌ها برتری دارد، همانند برتری بیت الله الحرام بر دیگر بیوت.^{۱۴} از برخی بزرگان اهل سنت نیز سخنانی غلوآمیز در فضیلت این شهر گزارش شده است. در این سخنان، هر رکعت نماز در جده برابر با هفده میلیون رکعت شمرده شده و از آمرزش اهل آن تا شعاع دید بیننده، یاد گشته است.^{۱۵} وصف عطاء بن ابی‌ریاح از جده به

۹. النجوم الزاهره، ج ۱۶، ص ۳۵۳؛ الدر الکمین، ج ۱، ص ۱۳۳؛ اتحاف الوری، ج ۴، ص ۶۴.

۱۰. احسن التقاسیم، ص ۷۹؛ رحلة ابن جبیر، ص ۴۸؛ نک: اطلس المملکه العربیه، ص ۴۹.

۱۱. سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱، ص ۲۵۳.

۱۲. الموسوعة العربیه، ج ۸، ص ۲۳۰.

۱۳. اخبار مکه، فاکهی، ج ۲، ص ۳۱۳؛ الکامل، ج ۶، ص ۱۷۹؛ الموضوعات، ج ۲، ص ۵۱.

۱۴. المجروحین، ج ۲، ص ۱۳۳؛ الموضوعات، ج ۲، ص ۵۱-۵۲.

۱۵. اخبار مکه، فاکهی، ج ۳، ص ۵۳.

سیراف، این شهر را به عنوان بندری برای پهلو گرفتن کشتی‌های تجاری خود برگزیدند. آنان با ساخت حصار و برج و خندق، به آبادی این شهر پرداختند و آن را بارانداز کشتی‌های تجاری نمودند. این حصار نخست با چهار دروازه به نام باب الرومه در جهت شام، باب مکه در جهت قبله، باب الفرضه در جهت دریا، و باب المربعه/ المدبغه در جهت یمن ساخته شد. سپس به خاطر نگرانی از کمبود آب در شهر، ۵۰۰ و به نقلی ۸۸ مخزن سنگی آب درون شهر و به همین تعداد بیرون آن ساختند که از آب باران پر می‌شد.^۸ ابن جیبر (م. ۱۱۲ق.) از این حصار دیدار کرده و با وصف آثار و بناهای کهن درون و بیرون حصار، برخی از آثار بیرون آن را به ایرانیان منتسب دانسته است. وی مخازن آب را بیش از ۷۰۰ مخزن شمرده است.^۹

بر پایه گزارشی، خانواده سلمان فارسی پس از پذیرش اسلام، در این بندر ساکن شدند.^{۱۰} در گزارشی دیگر، از گریز صفوان بن امیه به سوی جده در پی فتح مکه به سال هشتم ق. یاد شده است. با وساطت عمیر بن وهب نزد پیامبر ﷺ، امان‌نامه‌ای برای صفوان فراهم شد و

۸. تاریخ المستبصر، ص ۵۶-۵۷؛ نک: تحصیل المرام، ج ۱، ص ۴۷۹؛ تاریخ التویم، ج ۶، ص ۳۰۸.
 ۹. رحلة ابن جیبر، ص ۴۷-۴۸.
 ۱۰. تاریخ المستبصر، ص ۵۵.

عنوان خزانه مکه و نیز سخن ابن جریح در برتری دادن آن بر دیگر مناطق مرزی همانند برتری شهر مکه بر دیگر شهرها^۱ حکایت‌گر نقش تجاری، بازرگانی، تدارکاتی و نیز دفاعی جده و سهم آن در افزایش ثروت در مکه و حفظ امنیت حجاز است. همچنین احادیثی در باره وجود هر سال حج و عمره برای اهل جده روایت شده که فقیهان شیعه آن‌ها را به معنای استحباب و نیز وجوب علی‌البدل دانسته‌اند.^۲

◀ تاریخچه شهر: جده یکی از شهرهای

تاریخی حجاز^۳ است که پیشینه آن به سده‌های پیش از اسلام می‌رسد. وجود کتیبه‌هایی از قوم ثمود در کوه‌های شرقی جده گزارش شده است.^۴ به گزارشی، نخستین ساکنان این شهر قبیله قُضاعه بودند که در این منطقه ساکن شدند.^۵ سپس این شهر به عنوان بندرگاه به دست ایرانیان^۶ و به نقلی، شاهان ساسانی ساخته شد.^۷ ایرانیان در پی ویرانی بندر

۱. اخبار مکه، فاکهی، ج ۳، ص ۵۳.
 ۲. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۱۴۸-۱۴۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۷.
 ۳. احسن التقاسیم، ص ۶۹ نخبة الدهر، ص ۳۳۵-۳۳۶؛ جغرافیای حافظ ابرو، ج ۱، ص ۲۱۳.
 ۴. الموسوعة العربية العالمية، ج ۸، ص ۲۲۹-۲۳۲.
 ۵. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۱۵؛ المفضل، ج ۲، ص ۴۰.
 ۶. رحلة ابن بطوطه، ج ۲، ص ۹۷؛ الروض المعطار، ص ۱۵.
 ۷. تاریخ المستبصر، ص ۵۵.

عمیر در جده آن را هنگام سوار شدن صفوان بر کشتی، به دست او رساند.^۱ در سال ۲۶ق. عثمان بن عفان به درخواست مکیان، جده را بندرگاه مکه ساخت. وی با آگاهی از درخواست مکیان، در سفری به جده، دستور ساخت و آماده‌سازی آن را به عنوان بندرگاه مکه صادر کرد.^۲ از آن پس، بندر شُعبیه در ۶۸ کیلومتری جنوب جده^۳ که پیشتر بندرگاه مکه بود و مسلمانان در هجرت به حبشه از آن رهسپار شده بودند^۴، از رونق افتاد. فاصله فراوان شعبیه تا مکه را سبب این جابه‌جایی دانسته‌اند.^۵ به نقلی، جده پس از آن که در دوران عثمان به بندر تبدیل گشت، به این نام خوانده شد.^۶

حصار جده در دوره‌های گوناگون، از جمله به سال ۹۱۸ق. در دوران حکومت سلطان قانصوه غوری از ممالیک مصر^۷ و نیز در سال ۱۲۱۶ق. به دست شریف غالب، حکمران مکه^۸ بازسازی شد. در این بازسازی‌ها گاه بر

تعداد دروازه‌های این شهر نیز افزوده می‌شد. در آغاز سده ۱۴ق. شش دروازه به نام باب مکه در شرق، باب مدینه در شمال، و چهار باب شریف، شهداء، بحر و مغاربه در جهت دریا گزارش شده است.^۹ در نیمه این سده، رفعت پاشا (م. ۱۳۵۳ق.) تعداد این دروازه‌ها را نُه عدد شمرده است. به گزارش وی، حصار جده حصارِ پنج ضلعی به ارتفاع چهار متر بود که از نُه دروازه آن، شش دروازه به سوی دریا باز می‌شد.^{۱۰} کردی (م. ۱۴۰۰ق.) از ویرانی کامل این دیوار به سال ۱۳۶۷ق. همراه سه دروازه شرقی (باب مکه) و شمالی (باب جدید) و جنوبی (باب شریف) گزارش داده است.^{۱۱}

زبان رسمی مردم این شهر عربی است. حضور بازرگانان ایرانی و نیز فارسی‌زبانان دیگر کشورها در این شهر در سده‌های نخستین اسلامی سبب گشته تا مقدسی (م. ۳۸۰ق.) از آشنایی مردم و بازاریان جده با زبان فارسی و توانایی آنان در گفت‌وگو به این زبان گزارش دهد.^{۱۲} عنوان «شاه بندر جده» که از نام‌های این بندر بوده^{۱۳}، از حضور تأثیرگذار فرهنگ ایرانی

۱. السیرة النبویه، ج ۴، ص ۸۷۴؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۶۳؛ اسد الغابه، ج ۲، ص ۴۰۶.
 ۲. نک: تاریخ المستبصر، ص ۵۶؛ تاریخ القویوم، ج ۶، ص ۳۰۵؛ المعالم الاثیره، ص ۸۸.
 ۳. فرهنگ اعلام جغرافیایی، ص ۲۱۲.
 ۴. اتحاف الوری، ج ۱، ص ۲۱۴.
 ۵. البلدانیات، ص ۴۳؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۵۷۵.
 ۶. تاریخ القویوم، ج ۲، ص ۴۴۰.
 ۷. تاریخ مکه، ص ۳۱۶؛ تاریخ القویوم، ج ۶، ص ۳۱۷.
 ۸. تاریخ القویوم، ج ۶، ص ۳۱۸.

۹. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۵، ص ۱۲۸.
 ۱۰. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۲.
 ۱۱. تاریخ القویوم، ج ۶، ص ۳۱۸.
 ۱۲. احسن التقاسیم، ص ۹۶.
 ۱۳. النجوم الزاهرة، ج ۱۶، ص ۳۵۳؛ الدر الکمین، ج ۱، ص ۱۳۳؛ اتحاف الوری، ج ۴، ص ۶۴.

سال ۱۳۲۷ق. انجام شد. در حکومت سعودی لوله‌کشی آب چشمه‌های پیرامون جده به سال ۱۳۴۰ق. به پایان رسید و مشکل کم‌آبی شهر برطرف شد.^۱

نقش مهم جده در بازرگانی حجاز و نیز اهمیت آن در موسم حج به عنوان مهم‌ترین ورودی و خروجی حاجیان، سبب شده تا همواره این بندر در کانون توجه گزارشگران و سفرنامه‌نویسان قرار گیرد. در این گزارش‌ها، جده شهری بزرگ^{۱۱} با خانه‌هایی که به سبب گرمای هوا از نی ساخته شده‌اند، وصف گشته است. وجود مسافرخانه‌هایی با گل و سنگ و دو مسجد منسوب به عمر بن خطاب یا هارون خلیفه عباسی، در این گزارش‌ها یاد شده است.^{۱۲} افزایش خانه‌های موجود در این شهر از ۱۳۰۰ واحد در آغاز سده ۱۴ق. به ۳۳۰۰ واحد در نیمه این سده، از سرعت گسترش شهر در این سده حکایت دارد.^{۱۴}

این گسترش با رشد جمعیت و نیز تغییرات کلان در بافت جمعیتی همراه بوده است. در سده‌های نخستین، ایرانیان بیشتر ساکنان این

در این شهر حکایت دارد. جده را محل هبوط حواء و نیز منزل و مدفن وی دانسته‌اند.^۱ به گزارش منابع سده ۱۴ق. بر قبر وی که در قبرستانی بیرون شهر و در یک کیلومتری دروازه شرقی جده قرار دارد، سه گنبد بر سر، شکم و پای او وجود داشت.^۲ از هنگام ساخت این گنبدها گزارشی در دست نیست. ابن مجاور (م. ۶۹۰ق.) ساخت نخستین آرامگاه بر قبر حواء را به ایرانیان نسبت داده و از ویرانی آن در سده هفتم ق. سخن گفته است.^۳ در سال ۱۳۴۴ق. با تسلط وهابیان بر جده، این گنبدها ویران شد.^۵

مشکل کمبود آب شهر که از گذشته وجود داشت^۶ و مردم را ناچار به ساخت مخازن سنگی کرده بود، در سده‌های اسلامی نیز ساکنان و حاجیان را ناگزیر از پرداخت هزینه‌های تأمین آب می‌کرد.^۷ در قرن ۱۴ق. در دوران حکومت عثمانی، زه‌کشی آب چشمه رغامه نزدیک جده به سال ۱۳۰۲ق.^۸ و بهره‌گیری از دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن از

۱. اخبار مکه، فاکهی، ج ۴، ص ۲۶۸، ۳۱۲؛ البلدان، ابن فقیه، ص ۵۳۶؛ نزهة المشتاق، ج ۱، ص ۱۳۹.
 ۲. التاريخ القويم، ج ۶، ص ۳۳۹؛ سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۱۲۹.
 ۳. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۲۲.
 ۴. تاريخ المستنصر، ص ۶۱.
 ۵. التاريخ القويم، ج ۶، ص ۳۲۰.
 ۶. احسن التقاسيم، ص ۷۹.
 ۷. سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱، ص ۲۵۴.
 ۸. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۲۳؛ التاريخ القويم، ج ۶، ص ۳۲۷.

۹. التاريخ القويم، ج ۶، ص ۳۲۵.
 ۱۰. التاريخ القويم، ج ۶، ص ۳۲۷.
 ۱۱. نزهة المشتاق، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۳۹.
 ۱۲. رحلة ابن جبیر، ص ۴۷-۴۸؛ رحلة ابن بطوطة، ج ۲، ص ۹۷.
 ۱۳. موسوعة مرآة الحرمين، ج ۵، ص ۱۲۹.
 ۱۴. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۲۲.

بندر را تشکیل می‌دادند.^۱ گزارش ابن بطوطه (م. ۷۷۹ق.) را در باره برپایی نماز ظهر در روزهای جمعه که تعداد حاضران در مسجد کمتر از چهل تن بود^۲، می‌توان بیانگر تعداد کم ساکنان جده دانست. در سده ۱۴ق. از سکونت افزون بر ۲۵ هزار تن در جده با ترکیبی از ساکنان بومی شبه جزیره و نیز مردمانی از هند، مصر، سوریه، یمن، ترکیه و مسقط سخن به میان آمده است.^۳

حضور و سکونت مسیحیان برخی از کشورها، از جمله یونان، در این بندر گزارش شده است که گاه بر اثر فشار حکومت، ناچار به پوشیدن لباس‌های ویژه بودند.^۴ در اواخر سده ۱۱ق. شیخ الحرم و حکمران جده، احمد پاشا، دستور اخراج همه غیرمسلمانان را از جده داد.^۵ از این شهر در سده‌های اسلامی راویان و دانشورانی برخاسته‌اند که جابر بن مرزوق^۶، محمد بن ابی‌زیاد^۷، عبدالملک بن ابراهیم^۸

قاسم بن محمد^۹، حفص بن عمر^{۱۰} و احمد بن سعید فرقد^{۱۱} از آن جمله هستند. به سخن سخاوی، برخی مشایخ وی و بزرگانی چون طبرانی (م. ۳۶۰ق.) در این شهر می‌زیسته‌اند.^{۱۲}

◀ **وضعیت سیاسی:** تعیین این شهر به عنوان بندرگاه مکه به دستور عثمان موجب شد تا زیر حاکمیت مکه قرار گیرد^{۱۳} و حکمران آن از سوی حاکم مکه تعیین گردد.^{۱۴} سرازیر شدن درآمد جده از ورود حاجیان و کالاهای تجاری، به خزانه مکه^{۱۵} و نیز بهره‌مندی حکمران مکه از میراث افراد بی‌وارث جده^{۱۶}، گواه تابعیت این بندر از مکه است. در این وضعیت، جده همواره از رویدادها و جریان‌های سیاسی مکه تأثیر می‌پذیرفت. با ضعف خلافت عباسیان، اخشیدیان در نیمه اول سده سوم ق.^{۱۷}، فاطمیان از نیمه سده چهارم^{۱۸} و سپس ایوبیان^{۱۹} ممالیک

۹. الاکمال، ج ۲، ص ۲۶۳.
 ۱۰. ضغفاه العقیلى، ج ۱، ص ۸۶.
 ۱۱. الاکمال، ج ۲، ص ۲۶۳.
 ۱۲. البلدانیات، ص ۴۶.
 ۱۳. رحلة ابن جبیر، ص ۴۷.
 ۱۴. نزهة المشتاق، ج ۱، ص ۱۳۹؛ رحلة ابن جبیر، ص ۴۷؛ تاریخ مکه، ص ۱۳۹-۱۴۹.
 ۱۵. تاریخ مکه، ص ۴۵۲-۴۵۳.
 ۱۶. اتحاف الوری، ج ۴، ص ۶۰۴.
 ۱۷. تاریخ امراء مکه، ص ۲۸۳؛ افادة الانام، ج ۳، ص ۷۵.
 ۱۸. تاریخ مکه، ص ۱۹۲-۱۹۳.
 ۱۹. تاریخ مکه، ص ۲۲۴؛ شفاء الغرام، ج ۲، ص ۲۷۸.

۱. المسالك و الممالک، ص ۱۹؛ صورة الارض، ج ۱، ص ۳۱؛ احسن التقاسیم، ص ۹۵.
 ۲. رحلة ابن بطوطه، ج ۲، ص ۹۸.
 ۳. موسوعة مرآة الحرمین، ج ۵، ص ۱۲۸؛ ترحال فی الجزيرة العربیة، ج ۱، ص ۳۸.
 ۴. ترحال فی الجزيرة العربیة، ج ۱، ص ۳۹.
 ۵. تاریخ مکه، ص ۳۹۱.
 ۶. التقات، ج ۷، ص ۱۹.
 ۷. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۵.
 ۸. التاريخ الكبير، ج ۵، ص ۴۰۶؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۲۱؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۵۶.

مصر از نیمه اول سده نهم^۱ و عثمانیان از ۹۲۳ق.^۲ بر این منطقه تسلط یافتند و در برخی موارد، به ویژه در حکومت ممالیک و عثمانیان، در تعیین حکمران شهر که با عنوان نایب^۳، وزیر^۴ و صاحب جده^۵ از او یاد می‌شد، دخالت داشتند.^۶

به گزارشی، پس از تسلط حکومت عثمانی بر حجاز تا سال ۱۲۸۷ق.^۷ یا تا آغاز سده ۱۴ق.^۸ حکمران حجاز در جده سکونت داشت و با نام بیگ جده خوانده می‌شد. در دوران عثمانی، کنار امیری که از سوی حکمران مکه برای جده معین می‌شد، نماینده‌ای ترک از سوی خلیفه عثمانی نیز در جده حضور داشت تا افزون بر مشارکت در اداره بندر، فرماندهی سپاه عثمانی مستقر در جده را عهده‌دار باشد. این فرد که از او با عنوان «سنجق جده» یاد می‌شد، به عنوان مَشیخة الحرمین در نوسازی مکه و نیز اشراف بر اداره کارها در مکه حضور داشت و گاه در تعیین حکمران مکه

نقش ایفا می‌کرد.^۹ حضور و استقرار نخستین کنسول انگلستان به سال ۱۲۱۶ق. در این بندر و سپس کنسول‌های شماری دیگر از کشورهای اروپایی چون روسیه^{۱۰}، فرانسه^{۱۱}، اتریش، سوئد و نروژ^{۱۲} از اهمیت سیاسی این بندر در قرن ۱۳ق. حکایت دارد. اینان وظیفه حفظ منافع شهروندان خود در جده و حجاز را بر عهده داشتند.^{۱۳}

با ظهور وهابیان نجد در حجاز، جده نخستین بار به سال ۱۲۱۸ق. مورد هجوم آنان قرار گرفت. اینان به رهبری سعود بن عبدالعزیز بن محمد که در پی گریز شریف غالب به جده، در محرم این سال وارد مکه شده بودند، پس از چند روز به سوی جده حرکت کردند. اما محاصره این بندر و کشتار گسترده مدافعان آن نتیجه‌ای برای آنان در بر نداشت. سعود که در پی لشکرکشی عثمانیان و تهدید شهر دُرعیه، وضع را خطرناک دید، از ادامه محاصره جده چشم پوشید و به مکه بازگشت.^{۱۴} در ربیع الاول این سال، نیروهای

۱. تاریخ مکه، ص ۲۹۹-۳۰۱.

۲. منافع الکرّم، ج ۳، ص ۲۳۱؛ تاریخ مکه، ص ۳۴۴.

۳. اتحاف الوری، ج ۴، ص ۱۸۱؛ الدر الکمین، ج ۱، ص ۱۱۴.

۴. تاریخ مکه، ص ۴۲۲، ۴۲۸.

۵. رحلة ابن جبیر، ص ۴۷؛ تنضید العقود، ج ۲، ص ۳۹۲.

۶. اتحاف الوری، ج ۴، ص ۵۹۰؛ تاریخ الیمین، ص ۱۲۷؛ منافع الکرّم، ج ۳، ص ۲۳۱.

۷. جغرافیة جزيرة العرب، ص ۱۴۱.

۸. الرحلة السریه، ص ۱۴۸.

۹. تاریخ مکه، ص ۴۰۲، ۴۵۱.

۱۰. الرحلة السریه، ص ۳۷۱.

۱۱. تاریخ مکه، ص ۴۶۰.

۱۲. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۲.

۱۳. سفرنامه فراهانی، ص ۱۶۶-۱۶۷.

۱۴. تاریخ مکه، ص ۴۹۹؛ کشف الارتیاب، ص ۲۵؛ فتنة الوهابیه،

ص ۱۱-۱۲.

جده به رهبری حکمران شهر، شریف پاشا، در بیرون راندن وهابیان از مکه، شریف غالب را همراهی کردند.^۱ در سال بعد نیز جده دومین بار از سوی وهابیان مورد تهاجم قرار گرفت. این بار نیز مقاومت مردم جده در پس حصار شهر، مانع سقوط آن شد.^۲

در سال ۱۲۲۰ق. پس از آن که سعود با محاصره سرسختانه مکه توانست شریف غالب را به انعقاد صلح نامه‌ای وادارد، به سوی جده حرکت کرد و با کشتار بسیاری از مدافعان شهر و بستن راه‌های حج، حاجیان را نیز از دم تیغ گذراند.^۳ در آغاز سال ۱۲۲۱ق. شریف غالب که با تأیید وهابیان همچنان بر مکه حکومت داشت، رهسپار جده شد و به تحکیم مواضع دفاعی شهر و ساخت بارو و حفر خندق پرداخت. در همین سفر، نامه سعود در باره پایان یافتن صلح پیشین و وضع کردن شرایط تازه به عنوان تکمله صلح نامه پیشین به دست شریف رسید و او همه شرایط سعود، از جمله تدریس رساله‌های محمد بن عبدالوهاب، اجباری بودن نماز جماعت، لغو مالیات، و تعطیلی نقاره‌خانه جده را پذیرفت.^۴ تسلط وهابیان بر جده، با حمله دریایی

نیروهای مصر به این شهر که در ۱۲۲۸ق. با همکاری شریف غالب انجام شد، پایان یافت.^۵ در سال ۱۳۳۴ق. که حکومت عثمانی درگیر جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م./۱۳۳۲-۱۳۳۶ق.) بود، شریف حسین، حاکم حجاز، بر ضد خلافت عثمانی قیام کرد. نیروهای انقلابی حاضر در جده به پادگان‌های نظامی عثمانیان در این بندر حمله کردند و توانستند با حمایت ناوهای جنگی انگلستان با غلبه بر این مراکز، بندر جده را از سلطه عثمانی بیرون آورند.^۶ با شکست عثمانی در جنگ جهانی اول و رسمیت یافتن حکومت مستقل شریف حسین بر حجاز، شریف در صفر سال ۱۳۳۷ق. پادگان نظامی جده را نوسازی نمود و کوشش‌های عمرانی فراوان انجام داد و حصار شهر و دروازه‌های باب مکه را با سه ورودی تعمیر کرد و باب مغاربه را بازسازی نمود.^۷ با قدرت یافتن دیگر بار وهابیان به رهبری عبدالعزیز بن عبدالرحمن و با حمایت انگلستان که در پی تأمین منافع خود در حجاز بود، آل سعود توانست به سال ۱۳۴۳ق. مکه را تصرف نماید. در پی آن،

۵. فتنه الوهابیه، ص ۱۴؛ کشف الارتیاب، ص ۳۹-۴۰.

۶. تاریخ مکه، ص ۶۰۶-۶۰۷.

۷. التاريخ القويم، ج ۳، ص ۳۲۲.

۸. تاریخ الحجاز السیاسی، ص ۳۰۹-۳۴۴؛ قلب الجزیره، ص ۲۸۰-۲۸۲.

۱. کشف الارتیاب، ص ۲۵؛ فتنه الوهابیه، ص ۱۲.

۲. کشف الارتیاب، ص ۳۰.

۳. فتنه الوهابیه، ص ۱۳.

۴. کشف الارتیاب، ص ۳۵.

داشت تا شهر را تسلیم نماید. پس با میانجیگری کنسول انگلستان در جده، با انعقاد پیمان‌نامه‌ای محاصره پایان یافت و دیگر بار جده در جمادی الثانی این سال به تصرف سعودی‌ها درآمد^۳ و همه بناهای ساخته شده بر قبرها، از جمله قبر منسوب به حواء، ویران شد.^۴

◀ وضعیت اقتصادی و تجاری: با تعیین

جده به عنوان بندرگاه مکه، این شهر نقش تجاری مهمی در حجاز ایفا کرد^۵ و به یکی از مراکز مهم درآمد گمرک مکه تبدیل گشت.^۶ به گزارش یعقوبی (م. ۲۸۴ق.)، خواربار مورد نیاز مکه با کشتی از مصر می‌آمد و در این بندر تخلیه می‌شد.^۷ گزارش‌هایی نیز از رفت و آمد کشتی‌های تجاری ایران^۸، یمن^۹، هند^{۱۰}، ترکیه، سوریه، زنگبار، سومالی، جاوه، مراکش، عراق، بحرین، مسقط و دیگر سرزمین‌ها به این بندر در دیگر سده‌ها حکایت دارند.^{۱۱}

بزرگان شهر به جده گریختند و با همفکری بزرگان جده و برخی احزاب مشروطه‌خواه، به امید ساکت کردن وهابیان و دفع خطر آنان از حجاز، شریف حسین را از سلطنت برکنار نمودند و با فرزند او شریف علی در ربیع الاول این سال به عنوان پادشاه مشروطه در جده بیعت کردند. شریف حسین با پذیرش این تصمیم، مکه را به علی سپرد و خود به جده رفت تا از حجاز بیرون شود.^۱ این کوشش‌ها نیز وهابیان را از تصمیمشان برای تصرف حجاز باز نداشت. از این رو، شریف علی چهار روز پس از پدر در ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۴۳ق. به پیشنهاد حزب وطنی که از فعالان در قدرت یافتن او بودند، برای پیشگیری از خونریزی در مکه، این شهر را رها کرد و به جده رفت و به تقویت استحکامات دفاعی شهر پرداخت.^۲

عبدالعزیز در ماه جمادی الاولی به سال ۱۳۴۳ق. جده را محاصره نمود و با فرارسیدن موسم حج این سال، اعلام کرد که راه‌های حج به جز جده باز است. پس از پایان یافتن موسم حج، وهابیان در ۱۳۴۴ق. بر فشار خود برای تصرف جده افزودند. کاهش مواد غذایی و آب آشامیدنی و افزایش سختی زندگی برای مردم جده، شریف علی را بر آن

۳. تاریخ مکه، ص ۶۵۵-۶۵۶؛ کشف الارتیاب، ص ۵۲.

۴. کشف الارتیاب، ص ۵۵.

۵. اطلس التاریخ العربی، ص ۵۳-۵۸.

۶. البلدان، یعقوبی، ص ۱۵۴.

۷. البلدان، یعقوبی، ص ۱۵۴.

۸. البلدان، یعقوبی، ص ۱۵۴؛ المسالک و الممالک، ص ۱۹؛ الروض المعطار، ص ۱۵۷.

۹. احسن التقاسیم، ص ۷۹؛ ترحال فی الجزيرة العربیه، ج ۱، ص ۳۹.

۱۰. ترحال فی الجزيرة العربیه، ج ۱، ص ۳۹-۴۰.

۱۱. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۳.

۱. تاریخ مکه، ص ۶۲۵، ۶۳۲، ۶۳۴.

۲. تاریخ مکه، ص ۶۴۰.

برخی از کالاهایی که در این بندر بارگیری و به دیگر کشورها صادر می‌شد، عبارت بودند از: پوست گاو، صمغ عربی، عطریات، لؤلؤ و مرجان، صدف، حنا، و عسل. در برابر، کالاهایی چون برنج، جو، آرد، مرغ، صابون، لباس‌های پشمی و پنبه‌ای، چوب، کفش^۱ و شال کشمیر و خراسان که بیشتر به دست حاجیان در موسم حج در جده عرضه می‌شد^۲، کالاهای وارداتی به این بندر بوده‌اند. این گزارش نیز بیانگر نقش مؤثر حج و حاجیان در رشد اقتصادی این بندر است. مشاغل دریایی و صید ماهی از دیگر راه‌های کسب درآمد در این بندر بود.^۳ در این بندر، کشاورزی رواج نداشت.^۴

رونق تجارت در جده موجب شد تا در سده‌های نخستین، جده از شهرهای آباد گردد و مردم آن از ثروتمندترین افراد حجاز پس از مکیان باشند.^۵ وجود گزارش‌های همانند در منابع سده‌های میانی و متأخر، از ثبات اقتصادی و تجاری این بندر حکایت دارد.^۶

ساخت گنبد بلند در سده نهم ق. بر خانه‌هایی که ثروت مالکان آن بیش از صد هزار دینار بود^۷، حکایت‌گر ثروتمندی مردم جده در آن دوره است.

با رشد و رونق تجارت، مالیات‌ها و درآمدهای گمرکی شهر نیز که بیشتر نصیب حاکمان مکه می‌شد، افزایش یافت. اهمیت این امر موجب شد تا سفرنامه‌نویسان و تاریخ‌نگاران در باره اخذ مالیات و حق گمرک در جده به دست دولت‌ها هنگام وارد و صادر شدن کالا از این بندر، گزارش‌هایی دقیق به دست دهند.^۸ تلاش حاکمان عثمانی که از ۹۲۲ق. در حکومت سلطان سلیم اول (حك: ۹۱۸-۹۲۶ق.) بر مماليك غلبه کرده و حجاز را در اختیار خود گرفته بودند و رقابت آنان با اشراف مکه برای تصاحب همه این مالیات‌ها و بسنده نکردن عثمانیان به سهم خود، از فراوانی درآمد گمرکی جده حکایت دارد. در روزگار سلطان سلیم، نیمی از درآمد جده به خزانه اشراف مکه و نیم دیگر به مرکز خلافت عثمانی ارسال می‌شد.^۹ اما در سال ۱۰۴۰ق. قانصوه، حکمران ترك در جده در حکومت سلطان مراد چهارم (حك: ۱۰۳۲-۱۰۴۹ق.) بر اثر بی‌لیاقتی امیر مکه، توانست همه این درآمد را به خزانه

۱. موسوعة مرآة الحرمين، ج ۵، ص ۱۲۷.

۲. سفرنامه‌های خطی فارسی، ج ۱، ص ۲۵۴.

۳. نزهة المشتاق، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۳۹.

۴. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۱۸.

۵. صورة الارض، ج ۱، ص ۳۱؛ احسن التقاسيم، ص ۲۹؛ نزهة

المشتاق، ج ۱، ص ۱۳۸-۱۳۹.

۶. الروض المعطار، ص ۱۵۷؛ ترحال فی الجزيرة العربية، ج ۱،

ص ۳۹.

۷. الروض المعطار، ص ۱۵۷.

۸. احسن التقاسيم، ص ۱۰۴.

۹. تاریخ مکه، ص ۳۴۲، ۳۴۵.

ورود کشتی‌های حامل حاجیان در موسم حج از کشورها و مناطقی چون ایران، مصر، یمن، هند، مسقط، و سند^۵ که ورود کالاهای این مناطق و رونق تجارت جده را به همراه داشت، در منابع سده‌های گوناگون اسلامی گزارش شده است.^۶ کارکرد این بندر در حمل و نقل حاجیان و زائران در سده‌های گوناگون، در هر دوره متفاوت بود. در سده هشتم ق. حاجیان هند و یمن بیشتر به این بندر روی آوردند.^۷ حضور کنسول‌های کشورهای گوناگون در جده که در قبال حاجیان و زائران خود، مسؤولیت‌هایی بر عهده داشتند، از اهمیت جده به عنوان ورودی حجاز حکایت دارد. حاجیان هر کشور با ورود به جده، به کنسول‌های خود مبلغی با عنوان «تذکره» پرداخت می‌کردند. در صورت درگذشت هر یک از حاجیان این کشورها در حجاز، کنسول کشورش در جده میراث او را به ورثه‌اش می‌رساند و بخشی از آن را نیز دریافت می‌کرد.^۸

با گسترش راه‌های ارتباطی، به ویژه پیدایش راه‌های هوایی و تأسیس فرودگاه جده، نقش این شهر برجسته‌تر شد؛ به گونه‌ای که بیشترین شمار حاجیان از همین بندر وارد شهرهای مکه

عثمانی واریز نماید. این وضعیت مدتی کوتاه ادامه یافت و با روی کار آمدن شریف زید در رأس آل زید در مکه، بار دیگر سهم حاکمان مکه از این درآمدها به خزانه مکه واریز شد. سپس در دوره حکومت مسعود بن سعید، حکمران مکه، نماینده عثمانی که در جده مستقر بود، کوشید تا بار دیگر سهم امیر مکه را نپردازد. از این رو، مسعود در لشکرکشی به این شهر، وی را برکنار کرد.^۱

◀ نقش جده در موسم حج و گسترش و آبادانی حرمین: ظهور و گسترش اسلام
در سرزمین‌های دور و نزدیک و توجه مسلمانان به انجام مناسک حج و زیارت قبر پیامبر ﷺ هر ساله سرزمین حجاز را پذیرای خیل بزرگ حاجیان می‌کرد. در این میان، جده به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ورودی حاجیان و زائران از قاره‌های آسیا و آفریقا و اروپا، سهمی بسزا دارد. معرفی جده به عنوان «باب الحرمین الشریفین» در شماری از منابع^۲ گواه این ادعا است. توجه منابع به اندازه مسافت‌های منتهی به بندر جده را نیز باید از این رو دانست.^۳ منازل راه جده به مکه، عبارت بودند از: حده، قرین الثعلب، و ذی طوی.^۴

۱. تاریخ مکه، ص ۴۵۳.

۲. التاریخ القویم، ج ۶، ص ۳۰۵.

۳. احسن التقاسیم، ص ۹۵-۹۶.

۴. المناسک، ص ۶۵۵.

۵. المواعظ و الاعتبار، ج ۱، ص ۳۷۴؛ تاریخ المستبصر، ص ۶۴.

۶. سفرنامه فراهانی، ص ۱۶۶.

۷. البلدان، یعقوبی، ص ۱۵۴.

۸. المواعظ و الاعتبار، ج ۱، ص ۳۷۴.

۹. سفرنامه فراهانی، ص ۱۶۶-۱۶۷.

و مدینه می‌شوند.

نقش جده در آبادانی شهرهای مکه و مدینه را باید از دیگر نقش‌های اثرگذار این بندر در حرمین دانست. گزارش‌ها از حضور کشتی‌هایی حکایت دارند که با هدف تعمیر و بازسازی مکان‌ها و زیارتگاه‌های مکه و مدینه، در دوره‌های گوناگون در این بندر پهلو گرفتند. نخستین گزارش مربوط به پنج سال پیش از بعثت است که قریش در پی ویرانی کعبه بر اثر سیل، تصمیم گرفتند تا ضمن بازسازی کعبه، آن را مستقف نمایند. آنان از وجود کشتی شکسته‌ای در بندر جده آگاه شدند و با حضور در این بندر، از چوب این کشتی برای ساخت کعبه استفاده کردند.^۱ برخی منابع نیز از وجود این کشتی در بندر شعبیه گزارش داده‌اند.^۲ با توجه به نوسازی‌ها و بازسازی‌های چندباره حرمین در سده‌های اسلامی، گزارش حضور کشتی‌های حامل مهندسان و کارگران و نیز مصالح ساختمانی در بندر جده، به فراوانی دیده می‌شود. حمل ستون‌هایی برای استفاده در مسجدالحرام به سال ۷۵ق. در روزگار عبدالملک بن مروان (حك: ۶۶-۶۸ق.)^۳، حمل ستون‌های مرمرین

در روزگار مهدی عباسی (حك: ۱۵۸-۱۶۹ق.) در هر دو مرحله از گسترش مسجدالحرام به وسیله کشتی‌ای که از بندر اسکندریه مصر رهسپار جده شده بود^۴ و نیز حمل چوب‌ها و مصالح از جده در روزگار سلطان مراد عثمانی برای تعمیر کعبه که بر اثر سیل سال ۱۰۳۹ق. آسیب دیده بود^۵، از جمله این موارد است.

والیان جده گاه بنیان‌گذار خدماتی در مسجدالحرام بودند؛ چنان‌که به سال ۱۰۹۷ق. احمد پاشا، حکمران عثمانی جده و شیخ حرم، پلکان کعبه را تعویض کرد.^۶ نیز به سال ۱۱۲۷ق. محمد پاشا، دیگر حکمران جده، با خرید پلکانی که از سوی حسین حمیدان هندی، از حاکمان محلی هند، در سال ۱۱۱۶ق. برای کعبه ارسال شده و به دست حکمران آن روز جده در این بندر توقیف شده بود، آن را به مکه فرستاد که پس از دریافت اجازه از دولت عثمانی بهره‌برداری شد.^۷

◀ **رویدادهای جده:** رشد روزافزون اقتصادی و عمرانی جده در سده‌های اسلامی سبب شد که این بندر گاه مورد تاخت و تاز

۴. احسن التقاسیم، ص ۷۳.

۵. تاریخ مکه، ص ۴۸۱؛ الارح المسکی، ص ۱۵۲.

۶. منایح الکریم، ج ۵، ص ۱۹.

۷. موسوعة مرأة الحرمین، ج ۲، ص ۸۱۸؛ التاریخ القویوم، ج ۴،

ص ۱۴۱-۱۴۳.

۱. آثار العباد، ص ۱۱۶؛ معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۶۶.

۲. اخبار مکه، ازرقی، ج ۱، ص ۱۵۷؛ معجم ما استعجم، ج ۳،

ص ۸۰۲؛ معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۵۱.

۳. آثار البلاد، ص ۱۱۳؛ التاریخ القویوم، ج ۴، ص ۵۴۷.

بر مکه تسلط یافته بود، بر جده چیره شد و یاران او اموال بازرگانان را به غارت بردند.^۸ این بندر گاه مورد هجوم و تهدید کشورهای اروپایی نیز قرار می‌گرفت. در ۹۱۸ق. سلطان قانصوه از حکمرانان مملوکی مصر، برای دفاع از جده در برابر یورش‌های پرتغالی‌ها که به هند یورش برده بودند و نبرد آنان به دریای سرخ کشیده شده بود، حسین کردی را به سوی این بندر فرستاد. حسین برای تقویت توان دفاعی شهر در کمتر از يك سال حصار گرداگرد شهر را بازسازی کرد.^۹ به سال ۹۴۸ق. پرتغالی‌ها دیگر بار قصد جده کردند. ابونمی، حاکم مکه، با سپاهی به رویارویی با آنان شتافت و توانست از ورود آنان به جده پیشگیری کند.^{۱۰} در سال ۱۲۷۴ق. یکی از تاجران که تا آن روز کشتی خود را با پرچم انگلیس از بندر جده به حرکت در می‌آورد، بر آن شد تا از پرچم عثمانی استفاده کند. این کار بر کنسول انگلستان گران آمد و پرچم عثمانی را از فراز کشتی به زیر آورد و با توهین به آن، پرچم کشور خود را برافراشت. این رفتار کنسول موجب خشم مردم جده شد. آنان با گرد آمدن در برابر منزل کنسول، او را به قتل رساندند. این کار، حمله کشتی جنگی

دزدان، شورشیان و یاغیان قرار گیرد. وجود دو پادگان، یکی بر ساحل دریا نزدیک جایی که حاجیان از کشتی پیاده می‌شدند و دیگری نزدیک قبر حواء^۱ از اهمیت نظامی و دفاعی این بندر حکایت دارد. به سال ۱۵۱ق. در دوران حکومت منصور عباسی (حك: ۱۳۶-۱۵۸ق.) جده از سوی قوم گُرك ساکن در شرق اردن^۲ مورد هجوم قرار گرفت.^۳ حبشی‌ها در ۱۷۳ یا ۱۸۳ق. به جده حمله کردند. این تهاجم با رسیدن نیروهای نظامی از مکه، ناکام ماند.^۴ در سال ۲۵۱ق. شماری از راهزنان قبیله بنی‌عقیل، راه‌های حج جده را ناامن کردند. جعفر بشاشات، حاکم مکه، با راندن آنان، امنیت را برقرار کرد.^۵ به سال ۲۵۱ق. اسماعیل بن یوسف از علویون بر جعفر عباسی در مکه چیره گشت و پس از غارت خزائن کعبه، جده را نیز تصرف نمود و اموال تاجران آن را غارت کرد.^۶ در ۲۶۸ق. ابومغیره مخزومی در جده، فتنه و آشوب و آتش‌سوزی و ناامنی به راه انداخت و دارایی ساکنان را به یغما برد.^۷ در ۷۸۹ق. کبیش، عموی عنان بن مغماس که

۱. الرحلة السریه، ص ۳۷۱.

۲. الاعلام، ج ۱، ص ۴۶.

۳. تاریخ طبری، ج ۸، ص ۴۲.

۴. تاریخ مکه، ص ۱۴۱-۱۴۲.

۵. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۴۶.

۶. تاریخ مکه، ص ۱۶۴.

۷. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۶۱۲.

۸. تاریخ مکه، ص ۲۸۷.

۹. تاریخ مکه، ص ۳۱۶؛ التاريخ القويم، ج ۶، ص ۳۱۷.

۱۰. تاریخ مکه، ص ۳۴۷؛ موسوعة مرآة الحرمين، ج ۵، ص ۱۲۸.

انگلستان به جده را در پی داشت. سرانجام با دخالت خلیفه عثمانی و تشکیل شورایی از دولت مردان عثمانی، انگلیس و فرانسه و تحقیق و تفحص از سوی نامق پاشا که موقتاً اداره مکه را بر عهده داشت، این بحران با اعدام و تبعید برخی از بزرگان شهر پایان یافت.^۱ بتنونی (م. ۱۹۳۸ م.) از حمله دیگر کشتی‌های جنگی انگلستان به سال ۱۳۱۱ ق. در پی کشته شدن کنسول این کشور و مجروح شدن نماینده کنسول روس و فرانسه، یاد کرده است.^۲

◀ **وضع کنونی جده:** اکنون شبه جزیره عربستان به ۱۳ منطقه اداری تقسیم می‌شود. در این تقسیم‌بندی، جده از شهرهای منطقه مکه به شمار می‌آید که پس از ریاض بزرگ‌ترین منطقه است.^۳ جده پس از شهر ریاض، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر عربستان سعودی^۴ و از مهم‌ترین بندرهای این کشور است.^۵

استخراج نفت و استقرار پالایشگاه‌های بزرگ نفت و آب شیرین، شرکت‌های بزرگ تولیدی و بسته‌بندی کالاهای وارداتی، و

مراکز تولید آهن‌آلات و وسایل خانگی و نیز شهر صنعتی، این بندر را به مهم‌ترین قطب اقتصادی در عربستان تبدیل کرده است.^۶ بیش از ۷۰٪ مواد غذایی مردم عربستان و حاجیان و زائران از این بندر وارد کشور می‌گردد.^۷ تأسیس بانک توسعه اسلامی از نهادهای تخصصی سازمان کنفرانس اسلامی در جده^۸ از اهمیت این بندر حکایت دارد.

تأسیس فرودگاه ملک عبدالعزیز در ۱۳۶۰ ش. / ۱۹۸۱ م. در شمال شهر، نقش آن را در حمل و نقل حاجیان و زائران افزوده است. بیشتر حاجیان و عمره‌گزاران از این فرودگاه وارد و خارج می‌شوند. این بندر در حمل و نقل دریایی همچنان فعال است و با بنادر بزرگ جهان ارتباط دارد و از طریق آزادراه‌های نوساخته به مکه و مدینه مرتبط است.^۹

این شهر شامل چهار منطقه تاریخی با بناهای کهن و اداری و تجاری و زیبای ساحلی (کورنیش) با خیابان‌های پهناور و بازارهای بزرگ است.^{۱۰} دانشگاه ملک عبدالعزیز، دومین دانشگاه معتبر عربستان، در

۱. تاریخ مکه، ص ۵۳۴-۵۳۵.

۲. الرحلة الحجازیه، ص ۷۴.

۳. اطلس المملكة العربية السعودية، ص ۱۵.

۴. اطلس المملكة العربية السعودية، ص ۱۴، ۱۰۳؛ الموسوعة العربية العالمية، ج ۸، ص ۲۲۹.

۵. شاهد حضاره، ص ۱۴۲.

۶. الموسوعة العربية العالمية، ج ۸، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۷. شاهد حضاره، ص ۱۴۲.

۸. مكة المكرمة، ص ۱۳۷.

۹. الموسوعة العربية العالمية، ج ۸، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۱۰. الموسوعة العربية العالمية، ج ۸، ص ۲۲۹-۲۳۲.

بن محمد حضراوی (م. ۱۳۲۷ق.) و نیز موسوعة تاریخ مدینه جده نوشته عبدالقدوس انصاری که بار نخست در ۱۳۸۳ق. چاپ گشت.

◀ منابع

آثار السبلاد: زکریا بن محمد القزوینی (م. ۶۸۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۸م؛ اتحاف الوری: عمر بن محمد بن فهد (م. ۸۸۵ق.)، به کوشش عبدالکریم، مکه، جامعه ام القری، ۱۴۰۸ق؛ احسن التقاسیم: المقدسی البشاری (م. ۳۸۰ق.)، قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۱ق؛ اخبار مکه: الازرقی (م. ۲۴۸ق.)، به کوشش رشدی الصالح، مکه، مکتبه الثقافه، ۱۴۱۵ق؛ اخبار مکه: الفاکهی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش ابن دهیش، بیروت، دار خضر، ۱۴۱۴ق؛ الارج المسکی فی التاریخ المکی: علی عبدالقادر الطبری (م. ۱۰۷۰ق.)، به کوشش الجمال، مکه، المکتبه التجاریه، ۱۴۱۶ق؛ الاستبصار: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ اسد الغابه: ابن اثیر (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ اطلس التاریخ العربی: شوقی ابوخلیل، دمشق، دار الفکر؛ اطلس المملكة العربیة السعودیة: ریاض، مکتبه العیکان، ۱۴۲۰ق؛ الاعلاق النفیسه: ابن رسته (م. قرن ۳ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۸۹۲م؛ الاعلام: الزرکلی (م. ۳۹۶ق.)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۷م؛ افادة الانام: عبدالله بن محمد الغازی (م. ۱۳۶۵ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، مکتبه الاسدی، ۱۴۳۰ق؛ الاکمال: علی بن هبة الله ابن ماکولا (م. ۴۷۵ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیة،

شرق جده قرار دارد که در سال ۱۳۸۷ق. افتتاح گشت.^۱ جمعیت این شهر در سال ۱۹۸۱م. یک میلیون نفر و در سال ۱۹۹۱م. افزون بر ۱/۲۱۰/۰۰۰ بوده و تا پیش از سال ۲۰۰۰م. به بیش از دو میلیون تن افزایش یافته است.^۲ این رشد فزاینده، بیانگر گسترش عمرانی و پیشرفت اقتصادی جده در دوره معاصر است.^۳

◀ تک نگاری‌ها: اهمیت این شهر چندان

برای مسلمانان چشمگیر بوده که محققان سده‌های پیشین در کتاب‌هایی جداگانه به وصف آن پرداخته‌اند؛ از جمله: کتاب تنسم الزهر المانوس عن ثغر جده المحروس نوشته نجم الدین بن علی بن یعقوب مدنی (م. ۷۹۰ق.)، تاریخ جده ابن ظهیره شافعی (م. ۹۴۰ق.)، السلاح والعدة فی تاریخ بندر جده نوشته محمد بن عبدالعزیز بن فهد قرشی هاشمی (م. ۹۵۴ق.) خطیب یکی از مساجد جده، السلاح والعدة فی فضل ثغر جده نوشته ابن فرج عبدالقادر بن احمد شافعی خطیب جده (م. ۱۰۱۰ق.)، الفرج بعد الشدة فی تاریخ جده از جمال الدین مکی (م. ۱۲۸۴ق.)، الجواهر المعده فی فضائل جده نوشته احمد

۱. اطلس المملكة العربیة السعودیة، ص ۱۳۱.

۲. اطلس المملكة العربیة السعودیة، ص ۱۴.

۳. الموسوعة العربیة العالمیة، ج ۸، ص ۲۲۹، ۲۳۲؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۷، ص ۶۲۷-۶۳۳.

(م. ٣٧٠ق.)، به كوشش محمد عوض، بيروت، دار احياء التراث العربى، ٢٠٠١م؛ **الثقات**: ابن حبان (م. ٣٥٤ق.)، الكتب الثقافيه، ١٣٩٣ق؛ **جغرافياى حافظ ابرو**: عبدالله حافظ ابرو (م. ٨٣٣ق.)، به كوشش سجادي، تهران، ميراث مكتوب، ١٣٧٥ش؛ **جغرافية جزيرة العرب**: عمر رضا كحاله، به كوشش احمد على، مکه، مكتبة النهضة الحديثه، ١٣٨٤ق؛ **الجغرافيه**: محمد الزهرى (م. قرن ٦ق.)، به كوشش حاج صادق، تهران، وزارت ارشاد، ١٣٨٢ش؛ **دائرة المعارف بزرگ اسلامى**: زير نظر بجنوردى، تهران، مركز دائرة المعارف بزرگ، ١٣٧٢ش؛ **الدر الكمين**: عمر بن فهد المكى (م. ٨٨٥ق.)، به كوشش ابن دهيش، بيروت، دار خضر، ١٤٢١ق؛ **رحلة ابن بطوطه**: ابن بطوطه (م. ٧٧٩ق.)، به كوشش التازى، الرباط، المملكة المغربيه، ١٤١٧ق؛ **رحلة ابن جببير**: محمد بن احمد (م. ٦١٤ق.)، بيروت، دار مكتبة الهلال، ١٩٨٦م؛ **الرحلة الحجازيه**: محمد لبيب البتونى، قاهره، مكتبة الثقافه؛ **الرحلة السريه للعقيد الروسى**: عبدالعزيز دولتشين، بيروت، الدار العربيه للموسوعات، ١٤٢٨ق؛ **الروض المعطار**: محمد بن عبدالمنعم الحميرى (م. ٩٠٠ق.)، به كوشش احسان عباس، بيروت، مكتبة لبنان، ١٩٨٤م؛ **سفرنامه فرهاد ميرزا**: فرهاد ميرزا (م. ١٣٠٥ق.)، به كوشش غلامرضا طباطبايى، تهران، مؤسسه علمى مطبوعاتى، ١٣٦٦ش؛ **سفرنامه ميرزا محمد حسين فراهانى**: به كوشش مسعود گلزارى، تهران، فردوسى، ١٣٦٢ش؛ **سفرنامه ناصر خسرو**: ناصر خسرو (م. ٤٨١ق.)، تهران، زوار، ١٣٨١ش؛ **سفرنامه هاى خطى فارسى**: گروهى از نويسندگان، تهران، اختران، ١٣٨٨ش؛ **سنن ابى داود**: السجستانى (م. ٢٧٥ق.)، به كوشش سعيد اللحام، بيروت،

١٤١١ق؛ **بستان السياحه**: زين العابدين شيروانى (م. ١٢٥٣ق.)، تهران، سنابى؛ **البلدان**: ابن الفقيه (م. ٣٦٥ق.)، به كوشش يوسف الهادى، بيروت، عالم الكتب، ١٤١٦ق؛ **البلدان**: احمد البيقوبى (م. ٢٩٢ق.)، به كوشش صناوى، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٢٢ق؛ **البلدانيات**: السخاوى (م. ٩٠٢ق.)، به كوشش القطان، رياض، دار العطاء، ١٤٢٢ق؛ **تاج العروس**: الزبيدى (م. ١٢٠٥ق.)، به كوشش على شيرى، بيروت، دار الفكر، ١٤١٤ق؛ **تاريخ الحجاز السياسى**: وهيم طالب محمد، بيروت، دار العربيه، ١٤٢٧ق؛ **التاريخ القويم**: محمد طاهر الكردى، به كوشش ابن دهيش، بيروت، دار خضر، ١٤٢٠ق؛ **التاريخ الكبير**: البخارى (م. ٢٥٦ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٧ق؛ **تاريخ المستبصر**: يوسف بن المجاور (م. ٦٩٠ق.)، به كوشش ممدوح حسن، قاهره، مكتبة الثقافه، ١٩٩٦م؛ **تاريخ اليمن**: عمارة بن على اليمنى (م. ٥٦٩ق.)، به كوشش حسن سلمان، صنعاء، مكتبة الارشاد، ١٤٢٥ق؛ **تاريخ امراء مكة المكرمه**: عارف عبدالغنى، دمشق، دار البشائر، ١٤١٣ق؛ **تاريخ طبرى (تاريخ الامم و الملوك)**: الطبرى (م. ٣١٠ق.)، به كوشش محمد ابوالفضل، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ **تاريخ مکه**: احمد السباعى (م. ١٤٠٤ق.)، نادى مكة الثقافى، ١٤٠٤ق؛ **تحصيل المرام**: محمد بن احمد الصباغ (م. ١٣٢١ق.)، به كوشش ابن دهيش، ١٤٢٤ق؛ **تذكرة الفقهاء**: العلامة الحلى (م. ٧٢٦ق.)، قم، آل البيت، ١٤١٤ق؛ **ترحال فى الجزيرة العربيه**: جان لوييس بوركهارت (م. ١٨١٧م.)، قاهره، المركز القومى، ٢٠٠٧م؛ **تنفيذ العقود السنويه**: رضى الدين بن محمد الموسوى (م. ١١٦٣ق.)، به كوشش رجايبى، قم، نشر الانساب، ١٤٣١ق؛ **تهذيب اللغة**: الازهرى

دار الفكر، ١٤١٠ق؛ سنن الترمذی: الترمذی (م. ٢٧٩ق.)، به كوشش عبدالوهاب، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٢ق؛ السيرة النبوية: ابن هشام (م. ٢١٣ق./٢١٨ق.)، به كوشش محمد محيي الدين، مصر، مكتبة محمد علي صبيح، ١٣٨٣ق؛ شاهد حضاره: مصطفى محمد المحضار، عربستان، ١٩٩٨م؛ شفاء الغرام: محمد الفأسی (م. ٨٣٢ق.)، به كوشش گروهی از علماء، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢١ق؛ الصحاح: الجوهري (م. ٣٩٣ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق؛ صورة الارض: محمد بن حوقل النصيبي (م. ٣٦٧ق.)، بيروت، دار صادر، ١٩٣٨م؛ الضعفاء الكبير: محمد العقيلي (م. ٣٢٢ق.)، به كوشش عبدالمعطي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق؛ العلل: احمد بن حنبل (م. ٢٤١ق.)، به كوشش وصی الله، رياض، دار الخاني، ١٤٠٨ق؛ العين: خليل (م. ١٧٥ق.)، به كوشش المخزومي و السامرائي، دار الهجره، ١٤٠٩ق؛ عيون اخبار الرضا (ع): الصدوق (م. ٣٨١ق.)، بيروت، اعلمی، ١٤٠٤ق؛ فتنه الوهابية: احمد بن زيني دحلان، مركز الابحاث العقائديه؛ فرهنگ اعلام جغرافيايي - تاريخي در حديث و سيره نبوي: محمد محمد حسن شراب، ترجمه: شيخي، تهران، مشعر، ١٣٨٦ش؛ قلب الجزيره: فؤاد حمزه، رياض، مكتبة النصر الحديثه، ١٣٨٨ق؛ الكافي: الكليني (م. ٣٢٩ق.)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ الكامل في ضعفاء الرجال: عبدالله بن عدی (م. ٣٦٥ق.)، به كوشش غزاوي، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٩ق؛ كتاب المجروحين: ابن حبان (م. ٣٥٤ق.)، به كوشش محمود ابراهيم، مكه، دار الباز؛ كشف الارتياب: سيد محسن الامين (م. ٣٧١ق.)، به كوشش امين، مكتبة الحريس، ١٣٨٢ق؛ لسان

العرب: ابن منظور (م. ٧١١ق.)، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ المحكم و المحيط الاعظم: علي بن اسماعيل بن سيده (م. ٤٥٨ق.)، به كوشش هنداوي، بيروت، دار الكتب العلمية، ٢٠٠٠م؛ مرآة الحرمين: ابراهيم رفعت پاشا (م. ١٣٥٣ق.)، قم، المطبعة العلمية، ١٣٤٤ق؛ المسالك و الممالك: ابراهيم الفارسي الاضطخري (م. ٣٤٦ق.)، به كوشش الحسيني، وزارة الثقافة و الارشاد، ١٣٨١ق؛ المعالم الاثريه: محمد محمد حسن شراب، بيروت، دار القلم، ١٤١١ق؛ معجم البلدان: ياقوت الحموي (م. ٦٢٦ق.)، بيروت، دار صادر، ١٩٩٥م؛ معجم ديوان الادب: اسحق الفارابي (م. ٣٥٠ق.)، به كوشش احمد مختار، قاهره، دار الشعب، ١٤٢٤ق؛ معجم ما استعجم: عبدالله البكري (م. ٤٨٧ق.)، به كوشش السقاء، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٣ق؛ المفصل: جواد علي، دار الساقی، ١٤٢٤ق؛ مكه مكرمه: السيد مصطفى محمد المحضار، جده، ١٩٩٨م؛ المناسك و اماكن طرق الحج: ابواسحق العربي (م. ٢٨٥ق.)، به كوشش حمد الجاسر، رياض، دار اليمامة، ١٤٠١ق؛ منائح الكرم: علي بن تاج الدين السنجاري (م. ١١٢٥ق.)، به كوشش المصري، مكه، جامعة ام القرى، ١٤١٩ق؛ المواعظ و الاعتبار: المقرئ (م. ٨٤٥ق.)، به كوشش خليل المنصور، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق؛ الموسوعة العربية العالميه: مؤسسة اعمال الموسوعة للنشر، رياض، ١٤١٩ق؛ الموضوعات: ابن الجوزي (م. ٥٩٧ق.)، به كوشش عبدالرحمن، مدينه، المكتبة السلفيه، ١٩٦٩م؛ النجوم الزاهرة: يوسف بن تغري بردی (م. ٨٧٤ق.)، قاهره، به كوشش شلتوت و ديگران، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ١٣٩٢ق؛ نخبة الساهر: محمد بن ابی طالب انصاری (م. ٧٢٧ق.)، ترجمه: طبیبیان،

تهران، اساطیر، ۱۳۸۲ش؛ نزهة المشتاق: محمد
الادریسی (م. ۵۶۰ق.)، بیروت، عالم الکتب،
۱۴۰۹ق.

سید علی خیرخواه علوی



جذب القلوب الی دیار المحبوب ←

وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى

جُرْف: اردوگاه و محل استقبال از سپاه

مسلمانان در نزدیکی مدینه

جُرْف/جُرْف^۱ به معنای زمینی است که بر
اثر سیلاب دچار فرورفتگی و گودی شده
باشد.^۲ در اصطلاح، نام دشتی است در سه
میلی (حدود شش کیلومتری) مدینه که در
مسیر شام^۳ قرار دارد. بر پایه برخی گزارش‌ها،
نام جرف از سخن تُبَّع، پادشاه حمیر، هنگام
عبور از آن جا: «هذا جرف الارض» گرفته
شده است.^۴

جرف منطقه‌ای حاصلخیز بوده است. وجود

۱. معجم ما استعجم، ج ۲، ص ۳۷۶؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۴۸.
۲. الصحاح، ج ۴، ص ۱۳۳۶؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵؛ مجمع
البحرین، ج ۵، ص ۳۲، «جرف».
۳. معجم ما استعجم، ج ۲، ص ۳۷۶؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۲۸؛
المعالم الاثیریة، ص ۸۹.
۴. معجم ما استعجم، ج ۲، ص ۳۷۷؛ معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۲۸؛
الروض المعطار، ص ۱۵۹.

چاه‌های فراوان مانند جُشَم^۵ و جمل^۶ و سقاخانه
سلیمان بن عبدالملک (حك: ۹۶-۹۹ق.)^۷ در
این ناحیه، این سخن را تأیید می‌کند. نیز
شماری از صحابه مانند عمر بن خطاب^۸، زبیر^۹،
عبدالرحمن بن عوف^{۱۰} و مقداد بن اسود^{۱۱} در
جرف املاک فراوان داشتند. بر پایه گزارشی،
مقداد در همان جا به سال ۳۳ق. در گذشت و
جنازه او در بقیع به خاک سپرده شد.^{۱۲} آورده‌اند
که ابوبکر، جرف را به زبیر به اقطاع داد.^{۱۳}
امروزه مدینه گسترش یافته و بخشی از جرف
در محدوده شهر واقع شده و بخشی از آن نیز
زراعی است.^{۱۴}

جرف از آن رو که اهمیت سوق الجیشی
داشت، محل استقرار سپاه مسلمانان و نیز مقر
مهاجمان به مدینه بود. در نبرد احد (۳ق.)
مشرکان مکه در آن جا مستقر بودند^{۱۵} که به
قاعده، باید پس از گریز مسلمانان، از آن جا

۵. مراد الاطلاع، ج ۱، ص ۳۲۶.
۶. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۲۸.
۷. المعالم الاثیریة، ص ۱۴۱.
۸. معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۲۸.
۹. الطبقات، ج ۴، ص ۷۷؛ فتوح البلدان، ص ۲۲، ۳۰.
۱۰. الطبقات، ج ۳، ص ۱۰۱.
۱۱. مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۳۳.
۱۲. الطبقات، ج ۳، ص ۱۲۱؛ التفات، ج ۲، ص ۲۵۴؛ الروض المعطار،
ص ۱۵۹.
۱۳. حجاز در صدر اسلام، ص ۳۵۷.
۱۴. المعالم الاثیریة، ص ۸۹.
۱۵. نک: آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۴۱۹.